

پایه می برده و معجزات را بملک خوارق عادات را مطلقاً منکر و محسوس
آنکه با وجود این انکار برای استقامت قلب عوام و استحباب منافع از
ایشان و معنی کرامات و خوارق عادات می کنند و با نواع کید و تزیین
اعلاف را مقصد خود می سازند و فرموده اند ثُمَّ رَأَيْنَا وَمَنْ سَمِيَتْ بِهَا
مَنْ كَيْدِي اللَّهُ فَاصْبِرْ لِمَا نَزَّلْنَا بِهَا وَمَا لَهُ مِنْ شَأْنٍ و چون مشاهد آیات معجزه
یا استماع آن از عدول و ثقات چنانکه استی نسبت بعضی از اهل بیت
موجب جعل ایمان است بد بعضی دیگر موجب زیاده و بیعتان و از حال
علماء وین و بعضیان آنرا رسیدند و در سلبین صلوات الله علیه و سلم و علی اله ابین
شفقت علی ائمتهم و آلهم و غیره در مقامی که در کتب و روایات بدین وقت و دلایل
رسالت و هی کتب ساخته اند و در بیان جدا از سایر احوال و آثار مشافه
بر داشته و چون این فقیر بطلای بعضی از آنها مشرف شد و فایده و مطالعات ترا
که قوت محبت و در این عین مشاهده است و رفود با زیارت خواست که
از آن فایده سایر مسائل آن متفق شود و تحقیق غیر از آنی که این فقیر نسبت
بایشان صدق محبتی و فطری عقیدتی است و بیشتر این است که عالمی حق
کن بی شکی است لاس من حضرت القدس که در بیان کتب و احوال شایع
صوفیه است کرده بودند لاجرم آنچه در آن کتب بر آمده بود بر حسب ائمه
در یکی از فرام جمع کرده باشد و تقیماً اظهار عده عبارت فارسی ایما در آنها
و طلباً للاحتماء و تصرف طریقی نموده و آسانند و متذکره اند و چون کما
که نادیده ترا بود و استقامت حاصل میشود یا کمال متبوع است و اگر اعتقاد
که از جهت

که از جهت ظاهر می شود از جمله معجزات است که بعضی احوال
و آثار آن را و اصحاب آن حضرت و تابعین و تبع تا بعضی طبقه صوفیه که در بیان
احوال ایشان چنانکه که است علاحد کنی بی جمع کرده شده بود و با آن
مشغول کرده اند و چون ثبوت نبوت آنحضرت بود اسطره تو را ترا جفا رسیده
معجزه بجای رسیده است که هیچ سعادت مستندی را در آن و مدینه
باشند و نمانده است پس نماید و عظیمی درین تألیف تقویت بعضی
نمودن را در حقیقت و جوانان اهل حقیقت تو اند و اگر انرا استاید
النبوت لغویاً یعنی اهل الفعوه است که می کشند و درین نماید ترتیب این معجزات
بر مقدمه و هفت رکن و خاتمه نماید و مقدمه در بیان معنی نبوت
و آنچه نسل بر آن دارد رکن اول در شواهد و دلایل که پیش از ولادت
آنحضرت ظاهر شده است رکن دوم در بیان از وقت ولادت
تا نبوت ظاهر شده است رکن سوم در بیان آنچه از نبوت تا وفات
تا هجرت ظاهر شده است رکن چهارم در بیان آنچه از هجرت تا وفات
ظاهر شده است رکن پنجم در بیان آنچه خصوصیت کلی ازین اوقات
نداشتند باشد یا معلوم نباشد در بیان آنچه دلالت آن معجزات و وفات
ظاهر شده باشد و رکن ششم در بیان شواهد و دلایل که از صحب کرام
و ائمه اهل بیت رضی الله تعالی عندهم منقول آمده است رکن هفتم
در بیان شواهد که از تابعین و تبع تا بعضی تا طبقه صوفیه ظاهر شده است
خاتمه و حقوق است اعدا مقدمه در بیان معنی نبوت و رسول و آنچه